

الگوهای تربیتی در زیارت

جواد محدثی

چکیده

امامان معصوم علیهم السلام همواره الگوهای والای تربیتی در دین اسلام بوده‌اند و زیارت این بزرگواران در واقع ارتباط معنوی با این الگوهای تربیتی است که می‌تواند تأثیر تربیتی شگرفی بر زیارت‌کننده داشته باشد. در زیارت، زائر در حرم کسانی حضور می‌یابد که از نظر او بهترین بندگان خدا و سرمشق ایمان و تقوا به شمار می‌روند و در قامت ایشان چهره انسان کامل را مجسم می‌کند و ضمن مقایسه خود با این بزرگان می‌کوشد کاستی‌های خود را برطرف و فاصله خود با ایشان را پر کند تا در مسیر رسیدن به کمال گام بردارد.

سبک زندگی هدف‌دار و مرگ عزتمندانه امامان معصوم علیهم السلام بهترین الگو برای کسانی است که به زیارت مرقد ایشان می‌روند و زیارت‌نامه‌های این بزرگواران آینده از نکات تربیتی و فضایل اخلاقی معصومان علیهم السلام است.

فضای معنوی زیارتگاه‌ها به گونه‌ای است که توسل زائر به امامان علیهم السلام و درخواست شفاعت از ایشان موجب آموزش گناهان می‌شود و در واقع با انقلاب روحی و توبه زائر، بعد تربیتی زیارت کامل می‌شود. این نوشتار به بررسی الگوهای تربیتی موجود در زیارت امامان معصوم علیهم السلام می‌پردازد و ضمن برشمردن ابعاد گوناگون آن، فراهایی از چند زیارت‌نامه را به عنوان شاهد مثال می‌آورد.

واژگان کلیدی: زیارت، زائر، الگوی تربیتی، امامان معصوم علیهم السلام، توبه.

استفاده از الگو

از عوامل مهم و مؤثر در تربیت و سازندگی، استفاده از «الگوهای تربیتی» است. وقتی از کسی و کسانی به عنوان اسوه‌های متعالی تجلیل و تکریم می‌شود و مورد سلام و دیدار و زیارت و تعظیم قرار می‌گیرند، به نوعی آموزنده «الگوگیری» از آنان است و خط و جهت را نشان می‌دهد.

زیارت، ارتباط دهنده زائر با الگوهای متعالی است، چون زائر، به زیارت قبور و حرم‌های کسانی می‌رود که از نظر او بهترین بندگان خدا و «عباد صالح» اند. ایستادن در برابر قبر و ضریح الگوهای انسانی، به زائر می‌آموزد که اینان، بهترین سرمشق‌های ایمان و جهاد و تقوایند و ما مثل کسی که در برابر آیینۀ تمام قد ایستاده باشد. در قامت آن پیشوایان، چهره انسان‌های کامل را می‌بینم و خود را با آنان مقایسه می‌کنیم و به جهات نقص خود واقف می‌گردیم و از جهات کمال آن اسوه‌ها درس آموخته و الهام می‌گیریم.

در این مقایسه، از ذهن زائر می‌گذرد که آنان در چه قلّه‌های رفیعی قرار داشتند و ما در کدام دامنه مانده‌ایم و دست و پا می‌زنیم. پس زیارت، ما را با الگوها ربط می‌دهد و برای پرکردن فاصله بسیار میان ما و آنان، به ما انگیزه و امید می‌بخشد و شوق کمال‌یابی در ما می‌آفریند.

محیا و ممات

از تعابیری که بیانگر الگو بودن پیشوایان دینی برای زائران است، درخواست از خداوند است که حیات و ممات زیارت‌کننده را، همچون زندگی و مرگ محمد و آل محمد علیهم‌السلام قرار دهد. موت و حیات به معنای مرگ و زندگی است، اما «محیا و ممات»، نوع زندگی و مرگ و سبک و نحوه زیستن و مردن است که می‌تواند برای دیگران سرمشق باشد و از آن «چگونگی» الهام بگیرد.

در زیارت عاشورا می‌گوییم:

اللهم اجعلْ حَيَايَ حَيَا مُحَمَّدٍ و آلِ مُحَمَّدٍ، و مَمَاتِي مَمَاتِ مُحَمَّدٍ و آلِ مُحَمَّدٍ. (ابن قولويه، ۱۳۵۶ق، ص ۱۷۸).

خداوند! نحوه زندگی مرا، به سبک زندگی محمد و آل محمد قرار بده و نوع مرگم را به شیوه مرگ محمد و آل محمد قرار بده.

در مسائل تربیتی، وقتی می توان به یک مقتدا و الگو اقتدا کرد و از او الهام گرفت که جزئیات و خصوصیات اخلاقی و رفتاری و معیشتی و فراز و فرودهای زندگی او را بدانیم و بکشیم با همسان سازی زندگی خویش با او، در مسیر او قرار بگیریم.

خاندان پیامبر و امامان ما که زیارتشان می کنیم. زندگی شان مکتبی و در خط اطاعت امر خدا و هدایت خلق الله بود، و مرگشان در قالب شهادت (چه به صورت مقتول و چه مسموم) در راه خدا و برای خدا بود و حیات و مماتشان به دیگران «راه» را نشان می داد. زندگی هدف دار و مرگ عزتمندانه، سبک حیات و ممات آن گوهای ایمان و عمل و مشعل های هدایت و حق بود. زائر با این درخواست از آستان الهی، خود را در مسیر آنان قرار می دهد و می کوشد همسان با آنان زندگی کند و چون آنان از شهادت در راه خدا استقبال کند.

جهات الگویی

وقتی می توان از الگوها سرمشق گرفت و همسان سازی در فکر و عمل را با آنان تحقق بخشید که از «جهات الگویی» و شاخصه های اسوه بودن آنان آگاه بود. شناخت جلوه ها و نهادهای کمال در آنان، بهتر و راحت تر ما را در پیمودن این مسیر، یاری می دهد و راه را میان بُر می سازد.

اگر پیامبر خدا ﷺ و اهل بیت  را به عنوان الگو، تکریم و تعظیم می کنیم و با سلام و زیارت، به ستایش آنان می پردازیم، توجه به این نکته لازم است که چرا آنان الگو هستند؟ کدام صفت متعالی و اخلاق والا و عمل صالح آنان می تواند سرمشق ما باشد؟ کدام جنبه از

سیره عملی آنان می‌تواند برای ما راهنمای عمل باشد؟ اگر پیشوایان معصوم، فلان صفات بارز و عملکرد ارزشمند و الهی را داشته‌اند، حالا ما به عنوان زائر چه باید بکنیم و چگونه در عمل، شبیه آنان شویم و راه آنان را بیماییم؟ اگر فلان امام، جهاد کرده و به شهادت رسیده، یا از جان و مال و فرزندانش در راه خدا گذشته است، زائر چگونه می‌تواند از او درس ایثار و فداکاری بگیرد؟ پیروی ما در عصر حاضر و جامعه خویش از آن قهرمانان میدان جهاد و ایثار، چه شکلی خواهد داشت؟

متون زیارتی از این جهت بسیار غنی است و با دقت و تأمل در زیارتنامه‌ها، هم الگوها را می‌شناسیم و هم با جهات و جنبه‌های الگویی آنان آشنا می‌شویم و راه اقتدا به آنان روشن‌تر می‌شود.

الگوها در متون زیارتی

در زیارتنامه‌های مأثور که از امامان نقل شده است، می‌توان به فهرست بلند و بالایی از جهات الگویی معصومین دست یافت و از این طریق، زیارت را به «مکتب تربیتی» تبدیل کرد. وقتی در زیارتنامه‌ها جملاتی نظیر «عَبَدتَ اللهَ حَتَّى اتَاكَ اليَقينَ» (ابن قولویه، ۱۳۵۶ق، ص ۱۵). وجود دارد، یعنی پرستش خدا در طول عمر و تا هنگام مرگ، یک شاخصه برای اولیای خداست. پیروان هم باید چنین عمل کنند.

وقتی تعبیر «أَطَعْتَ اللهَ وَرَسُولَهُ» (شیخ طوسی، ۱۴۱۱ق، ص ۷۱۹). را می‌خوانیم، عنصر اطاعت از خدا و رسول مطرح است و برای زائر هم می‌تواند سرمشق عمل باشد و فرمانبردار دین حق و اوامر خدا گردد.

در زیارت امین الله، امام معصوم را با این تعبیر می‌ستاییم که «اشهدُ أَنَّكَ جَاهِدتَ فِي اللهِ حَقَّ جِهَادِهِ وَ عَمِلتَ بِكِتَابِهِ، وَ اتَّبَعْتَ سُننَ نَبِيِّهِ»، (ابن قولویه، ۱۳۵۶ق، ص ۴۰). و بر چند عنصر مهم در حیات ائمه تأکید می‌کنیم و به آنها گواهی می‌دهیم؛ یعنی «جهاد کامل و راستین در راه خدا»، «عمل به کتاب آسمانی قرآن»، «تبعیت از سنت‌های پیامبر». اینها می‌تواند در زندگی زائر

عارف هم نمود پیدا کند و به عنوان یک فضیلت رفتاری شکل بگیرد.

زیارتنامه حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام در روز غدیر، یکی از جامع ترین متونی است که به حوادث فراوان زندگی پر از مجاهدت و ایثار و فضیلت های آن حضرت اشاره می کند و صحنه های فراوانی را که جلوه گاه فضایل اوست، به یاد می آورد. همه آنها می تواند برای زائر هم الهام بخش باشد.

امیرالمؤمنین علیه السلام در ایمان به خدا و پذیرش دعوت پیامبر، پیش قدم بود؛ در دفاع از جان حضرت رسول، در بستر او خوابید؛ در میدان های نبرد، آن همه زخم و جراحت برداشت؛ در زندگی آن همه انفاق و صدقات و کمک به محرومان داشت؛ در جنگ صفین، با نیرنگ معاویه و حیلۀ قرآن بر نیزه کردن مواجه شد، ولی حق را رها نکرد و به تردید نیفتاد؛ در نبرد با فتنه گران خوارج و پیمان شکنان جملی، لحظه ای تردید نکرد و بصیرت نافذ او، چراغ راهش بود. اینها همه در این زیارتنامه آمده است و برای زائر هم الگوست.

در اواخر همین زیارت طولانی، خطاب به آن حضرت می گوئیم:

أَنْتَ أَحْسَنُ الْخَلْقِ عِبَادَةً، وَأَخْلَصَهُمْ زَهَادَةً، وَأَذَبَهُمْ عَنِ الدِّينِ، أَقَمْتَ حُدُودَ اللَّهِ بِجُهِدِكَ،
وَقَلَّلْتَ عَسَاكِرَ الْمَارِقِينَ بِسَيْفِكَ... (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۹۷، ص ۳۶۷).

تو در عبادت، از همه خلق برتری و در زهد و پارسایی از همه خالص تری و در دفاع از دین، از همگان پر کارتری، تو با تلاش خود، حدود الهی را برپا داشتی و با شمشیر خود، لشکریان مارقین را تاراندی و با سرانگشتانت آتش جنگ ها را فرو نشانیدی.

آموزه های تربیتی این فراز از زیارت، اینهاست: عبادت شایسته خدا، زهد خالصانه، دفاع از دین، اقامه حدود الهی، نبرد با طغیانگران، فرو نشانیدن آتش فتنه.

زائر اگر بهوش باشد، از همه اینها سرمشق تربیتی می گیرد و خودسازی می کند.

در زیارت سیدالشهدا علیه السلام خطاب به آن حضرت می گوئیم: «أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ أَقَمْتَ الصَّلَاةَ وَآتَيْتَ الزَّكَاةَ وَأَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَعَبَدْتَ اللَّهَ مُخْلِصًا حَتَّى اتَّكَأَ الْيَقِينُ»؛ (ابن قولویه،

۱۳۵۶ق، ص ۲۰۷). در این جملات، این فضیلت‌ها مطرح شده است: برپا داشتن نماز، ادای زکات، امر به معروف و نهی از منکر، عبادت خالصانه خدا تا واپسین لحظه حیات.

در زیارت موسی بن جعفر علیه السلام خطاب به آن امام می‌گوییم: «أَقَمْتَ احْكَامَ اللَّهِ، وَ تَلَوْتَ كِتَابَ اللَّهِ، وَ صَبَرْتَ عَلَيَّ فِي الْأَذْيِ فِي جَنْبِ اللَّهِ وَ جَاهَدْتَ فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ». (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۹۹، ص ۱۴). طبق این متن از زیارتنامه، صفات و اعمالی همچون اقامه احکام خدا، تلاوت کلام الله، صبر و شکیبایی بر اذیت‌ها در راه خدا و جهاد راستین در راه خدا، برای آن امام بیان شده و زائران نیز به زیارت پیشوایی می‌روند که این صفات و ویژگی‌ها را داشته است، پس باید در مقام تشابه با مولای شهید خود، برای کسب این صفات بکوشند و گام جای گام امام خویش بگذارند و نشان دهند که «شیعه»‌اند و پیرو حقیقی!

در زیارت عسکریین علیهم السلام خطاب به امام هادی علیه السلام می‌گوییم: «اشْهَدُ أَنَّكَ الْمُطَهَّرُ مِنَ الذُّنُوبِ، الْمُبْرَأُ مِنَ الْعُيُوبِ...». (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۹۹، ص ۶۳).

وقتی شهادت می‌دهیم که آن امام بزرگوار، از گناهان پاک است و از عیب‌ها مبرا، یعنی زائری که چنین امامی را زیارت می‌کند، باید به آن حضرت تأسی بجوید و زندگی‌اش را از گناهان و عیب‌ها پیراسته سازد. این لازمه اعتقاد به الگو بودن آن حضرات برای پیروان است و امت باید از امام خود سرمشق بگیرد.

امثال چنین تعبیراتی در زیارتنامه‌ها صدها مورد وجود دارد. نگاه به این متون از این زاویه خاص، ما را با دنیایی از «فضایل اخلاقی» آشنا می‌سازد که در زندگی و سیره امامان تجسم یافته است و می‌تواند برای زائر هم درس و الگو باشد و او را تربیت کند.

توبه، گامی دیگر تربیت

بر شمردن نکات و موضوعاتی که در زیارتنامه‌ها به عنوان «ابعاد تربیتی» قابل ذکر است، به طول می‌انجامد و می‌تواند موضوع پژوهشی پردامنه باشد. تنها به یک موضوع اشاره می‌شود

که گام تربیتی مهمی است؛ یعنی توبه و اصلاح نفس.

زیارت، نقش اصلاحی دارد و زائر در حرم‌های مطهر، حالت روحی خاص و «انقلاب روحی» پیدا می‌کند و شان‌هایش می‌لرزد و اشک می‌ریزد و با امام خود عهد می‌بندد که راه صلاح را بپوید و از خطاها و گناهان دست بشوید. کسان زیادی هستند که اصلاح مسیر زندگی خود را مدیون یک زیارت و تشرّف هستند و به این حقیقت اعتراف می‌کنند و زیارت را نقطه عطفی در زندگی خویش می‌شمارند.

در متون زیارتی هم به همین نکته تربیتی اشاره شده است. در زیارت حضرت ابوالفضل علیه السلام این جمله وجود دارد:

وَاجْعَلْنِي مِّنْ زِيَارَةِ مَشَاهِدِ احِبَّائِكَ مُضِلِّحًا مُنْجِحًا، قَدْ اسْتَوْجَبَ غُفْرَانَ
الدُّنُوبِ وَسَرَّ الْعُيُوبِ وَكَشَفَ الْكُرُوبِ. (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۹۸، ص ۲۱۸).

خدایا مرا از آنان قرار بده که وقتی از زیارت دوستان تو بر می‌گردند. رستگار و کامیاب شده باشند و مستوجب این گردند که گناهانشان آمرزیده شود و عیوب آنان پوشانده و غم‌ها و رنج‌هایشان برطرف شده باشد.

بازگشت تابانه از حرم‌ها و زیارتگاه‌ها، نشانه تأثیر عمیق زیارت در دل و زندگی زائر است که بر اثر این تشرّف، عوض می‌شود و تحوّل می‌یابد و زندگی را در مسیر نورانی و خدایی از سر می‌گیرد.

در زیارت ائمه بقیع می‌خوانیم:

فَهَذَا مَقَامٌ مِّنْ أَسْرَفٍ وَأَخْطَا وَاسْتَكَانَ وَأَقْرَبًا جَنِّي وَرَجِي بِمَقَامِهِ الْخَلَاصِ. (ابن
قولویه، ۱۳۵۶ق، ص ۵۴).

اینجا، جایگاه کسی است که [در حق خود] اسراف کرده و به خطا رفته و در هم شکسته است و به آنچه جنایت کرده است اقرار و اعتراف دارد و با حضور در این جایگاه، امید خلاص و رهایی دارد.

اگر زیارت، این تأثیر شگرف را داشته باشد که زائر را به خطاها و کژراهه‌هایش واقف سازد و زبانش را به اعتراف به گناهان باز کند و با توبه‌اش امید نجات و رهایی از پیامدهای جرائم و گناهان را داشته باشد، بسیار ارزنده و درخور قدردانی است و می‌تواند منشأ تحوّل در زندگی و پوییش راه تازه و حال و هوای تازه گردد.

در زیارت حضرت رسول ﷺ است:

وَأَيُّ آتِيكَ مُسْتَغْفِرًا تَائِبًا مِنْ ذُنُوبِي، وَرَأَيْتُ أَتَوْجَّهُ بِكَ إِلَيَّ رَبِّي وَرَبِّكَ لِيَغْفِرَ لِي ذُنُوبِي. (ابن قولویه، ۱۳۵۶ق، ص ۱۶).

من به زیارت تو آمده‌ام، درحالی که حالت استغفار دارم و از گناهانم توبه می‌کنم و به وسیله تو به سوی پروردگارم و پروردگارت روی می‌آورم، تا گناهان مرا ببخشد.

این همان «شفاعت و توسّل» است که زمینه‌ساز آمرزش گنهکاران و اصلاح خطاکاران است. زائر اگر با حضور در حرم معصومین علیهم‌السلام، پرونده پرخطای خود را مرور کند و به رحمت الهی امید بندد و پیامبر و ائمه را واسطه و شفیع قرار دهد تا گناهانش بخشوده شود، بزرگ‌ترین تأثیر تربیتی زیارت را به نمایش گذاشته است.

نتیجه آنکه به زیارت، تنها از بُعد ثواب نباید نگریست؛ بلکه زیارت می‌تواند زندگی زائر را متحول کند و از یک فرد خطا کار، انسانی صالح و رستگار بسازد. این بُعد تربیتی که در زیارت «الگوهای کمال و صلاح» وجود دارد (همچنان که اشاره شد) در متن زیارتنامه‌ها هم به فراوانی به چشم می‌خورد و شایسته است که مورد توجه زائران صاحب‌دل هم قرار بگیرد.

منابع و مأخذ

۱. ابن قولویه (۱۳۵۶ق)، کامل الزیارات، نجف، مرتضوی.
۲. شیخ طوسی (۱۴۱۱ق)، مصباح‌المتجهّد، بیروت؛ موسسه فقه الشیعه.
۳. مجلسی (۱۴۰۴ق)، بحار الانوار، بیروت، موسسه الوفاء،